

ماجرای تورم

سید امیر سادات موسوی

شماره اهمیت سال پایه	گروه
۱۰۰/۰۰	شاخص کل گروه های اصلی و منتخب فرعی :
۲۸/۴۹	۱- خوراکی ها و آشامیدنی ها
۳۷/۲۶	خوراکی ها*
۴/۵۶	غلات و نان
۶/۷۴	گوشت
۰/۷۹	ماهی و حیوانات دریایی
۳/۴۷	لبنیات و تخم پرندگان
۰/۹۷	روغن ها و چربی ها
۵/۲۶	میوه ها و خشکبار
۳/۸۷	انواع سبزی، حبوب و فرآورده های سبزی
۱/۲۷	قند، شکر، مربا، عسل، شکلات و محصولات قنادی
۰/۳۲	نمک و ادویه، سس ها و چاشنی ها و ترکیبات خوراکی
۱/۲۳	آشامیدنی ها
۰/۵۲	۲- دخانیات
۶/۳۲	۳- پوشاک و کفش
۲۸/۶۰	۴- مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت ها
۵/۸۰	اجاره بهای مسکن غیرشخصی
۱۹/۱۷	ارزش اجاری مسکن شخصی
۱/۸۲	تعمیرات و خدمات ساختمانی
۰/۴۴	آب
۱/۳۷	برق و گاز و سایر سوخت ها
۶/۲۶	۵- اثاث، لوازم و خدمات مورد استفاده درخانه
۵/۵۴	۶- بهداشت و درمان
۱۱/۹۷	۷- حمل و نقل
۱/۶۳	۸- ارتباطات
۳/۸۰	۹- تفریح و امور فرهنگی
۲/۰۷	۱۰- تحصیل
۱/۱۲	۱۱- رستوران و هتل
۳/۱۸	۱۲- کالاها و خدمات متفرقه
	گروه های اختصاصی :
۵۷/۱۳	۱- کالا
۴۲/۸۷	۲- خدمت
۲۸/۶۰	۳- مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت ها

همین ابتدا باید بگوییم که من تخصصی در مسائل اقتصادی ندارم. در این مطلب هم بیشتر کار من رسم نمودار است. تمام جدول ها و نمودار هایم هم بر اساس اطلاعات مندرج در ماهنامه ی "شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران" مربوط به فروردین ماه ۱۳۸۸ است که بانک مرکزی منتشر کرده است و می توانید در سایت بانک مرکزی ایران آن را دانلود کنید:

<http://www.cbi.ir/page/6220.aspx>

می خواهیم بصورت کمی گرانی ها را تحلیل کنیم، برای این هدف باید تغییرات قیمت اجناس را بررسی کنیم. کمیتی به نام "شاخص بهای کالاها" تعریف می کنیم که در واقع جمعی از کالاها و خدمات مختلف با ضرایبی است. (تصویر مقابل از جدول شماره ۱ در صفحه ۶ اتخاذ شده است)

هر ماه می توانیم مقدار شاخص بهای کالاها را مشخص کنیم. در آمار که من دارم، مقدار شاخص بها از سال ۶۹ به بعد بصورت ماهانه ثبت شده است. پس از پایان هر سال می توان از شاخص بها در ۱۲ ماه آن سال میانگین گیری کرد.

یک روش معمول برای محاسبه ی تورم، تقسیم میانگین شاخص بها ی هر سال بر سال قبل و کم کردن یک واحد از آن است. مثلا اگر میانگین شاخص بها در سالی ۱۲۰ و سال قبل ۱۰۰ باشد، نرخ تورم ۲۰ درصد است. (تصویر زیر از جدول شماره ۳ در صفحه ۸ اتخاذ شده است)

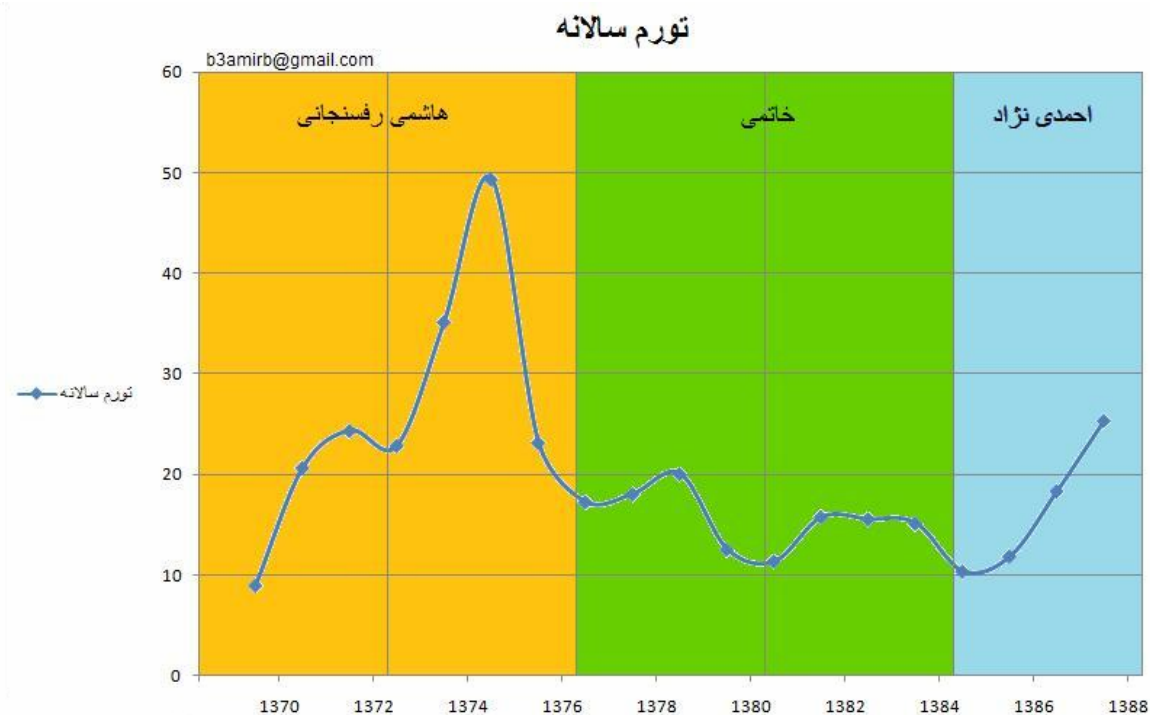
جدول شماره ۳

شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران
اعداد شاخص کل به تفکیک ماه و درصد تغییر سالانه آن (نرخ تورم) در سال های مختلف
($100=1383$)

سال	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند	متوسط سال	درصد تغییر سالانه (نرخ تورم)
۱۳۶۹	۶/۷	۶/۶	۶/۶	۶/۶	۶/۵	۶/۶	۶/۶	۶/۷	۶/۹	۷/۰	۷/۱	۷/۳	۶/۸	۹/۰
۱۳۷۰	۷/۴	۷/۶	۷/۶	۷/۷	۷/۹	۸/۱	۸/۲	۸/۲	۸/۴	۸/۶	۸/۹	۹/۴	۸/۲	۲۰/۷
۱۳۷۱	۹/۸	۹/۶	۹/۸	۹/۸	۹/۹	۱۰/۱	۱۰/۱	۱۰/۱	۱۰/۳	۱۰/۵	۱۰/۹	۱۱/۲	۱۰/۲	۲۴/۴
۱۳۷۲	۱۱/۵	۱۱/۵	۱۱/۷	۱۱/۷	۱۱/۹	۱۲/۱	۱۲/۴	۱۲/۵	۱۳/۰	۱۳/۳	۱۳/۷	۱۴/۴	۱۲/۵	۲۲/۹
۱۳۷۳	۱۴/۷	۱۵/۰	۱۵/۳	۱۵/۵	۱۵/۷	۱۶/۳	۱۷/۱	۱۷/۱	۱۷/۴	۱۸/۱	۱۹/۵	۲۰/۸	۱۶/۹	۳۵/۲
۱۳۷۴	۲۲/۲	۲۳/۷	۲۳/۹	۲۳/۷	۲۳/۹	۲۴/۵	۲۵/۰	۲۵/۶	۲۶/۴	۲۷/۲	۲۷/۸	۲۸/۴	۲۵/۲	۴۹/۴
۱۳۷۵	۳۰/۰	۳۰/۰	۲۹/۸	۲۹/۹	۳۰/۰	۳۰/۴	۳۰/۸	۳۱/۲	۳۱/۹	۳۲/۳	۳۲/۸	۳۳/۳	۳۱/۰	۳۳/۲
۱۳۷۶	۳۴/۵	۳۵/۱	۳۵/۳	۳۵/۳	۳۵/۷	۳۵/۹	۳۶/۰	۳۶/۳	۳۶/۹	۳۷/۸	۳۸/۹	۳۹/۴	۳۶/۴	۱۷/۳
۱۳۷۷	۴۰/۹	۴۱/۰	۴۱/۰	۴۱/۵	۴۱/۷	۴۲/۱	۴۲/۶	۴۳/۲	۴۴/۴	۴۵/۰	۴۵/۸	۴۶/۹	۴۳/۰	۱۸/۱
۱۳۷۸	۴۹/۵	۴۹/۹	۵۰/۳	۴۹/۹	۵۰/۲	۵۰/۶	۵۱/۲	۵۱/۵	۵۲/۸	۵۳/۹	۵۴/۶	۵۵/۳	۵۱/۶	۲۰/۱
۱۳۷۹	۵۶/۰	۵۶/۱	۵۶/۹	۵۶/۴	۵۷/۰	۵۷/۵	۵۷/۸	۵۸/۴	۵۹/۶	۶۰/۰	۶۰/۵	۶۱/۶	۵۸/۲	۱۲/۶
۱۳۸۰	۶۲/۷	۶۲/۷	۶۲/۸	۶۳/۳	۶۳/۷	۶۴/۰	۶۴/۴	۶۴/۷	۶۵/۹	۶۶/۹	۶۷/۷	۶۸/۸	۶۴/۸	۱۱/۴
۱۳۸۱	۷۰/۱	۷۱/۷	۷۲/۸	۷۳/۰	۷۳/۲	۷۴/۴	۷۴/۲	۷۵/۳	۷۶/۷	۷۸/۳	۷۹/۸	۸۰/۸	۷۵/۰	۱۵/۸
۱۳۸۲	۸۲/۶	۸۳/۴	۸۴/۶	۸۵/۲	۸۵/۴	۸۵/۳	۸۵/۹	۸۶/۹	۸۸/۹	۹۰/۰	۹۰/۶	۹۲/۱	۸۶/۷	۱۵/۶
۱۳۸۳	۹۴/۵	۹۵/۷	۹۵/۹	۹۸/۱	۹۸/۷	۹۸/۹	۱۰۰/۱	۱۰۰/۹	۱۰۲/۰	۱۰۲/۳	۱۰۴/۵	۱۰۶/۴	۱۰۰/۰	۱۵/۲
۱۳۸۴	۱۱۰/۰	۱۱۰/۱	۱۰۸/۹	۱۰۸/۲	۱۰۸/۰	۱۰۸/۴	۱۰۹/۲	۱۱۰/۳	۱۱۱/۴	۱۱۲/۳	۱۱۳/۳	۱۱۵/۱	۱۱۰/۴	۱۰/۴
۱۳۸۵	۱۱۵/۸	۱۱۶/۹	۱۱۹/۰	۱۱۸/۹	۱۱۹/۴	۱۲۱/۷	۱۲۳/۴	۱۲۴/۴	۱۲۷/۴	۱۲۹/۹	۱۳۱/۶	۱۳۳/۰	۱۲۳/۵	۱۱/۹
۱۳۸۶	۱۲۵/۳	۱۲۶/۳	۱۲۸/۱	۱۲۹/۲	۱۳۰/۰	۱۳۲/۵	۱۳۴/۵	۱۳۵/۷	۱۳۸/۲	۱۴۰/۸	۱۴۲/۲	۱۴۴/۹	۱۳۶/۲	۱۸/۴
۱۳۸۷	۱۶۸/۰	۱۷۰/۸	۱۷۴/۶	۱۷۵/۵	۱۷۸/۷	۱۸۵/۷	۱۸۸/۷	۱۹۰/۲	۱۹۲/۶	۱۹۱/۹	۱۹۱/۱	۱۹۱/۹	۱۸۳/۳	۲۵/۴
۱۳۸۸	۱۹۴/۰													

* - درصد تغییر از اعداد کامل محاسبه شده است.

تصویر زیر نشانگر تغییرات تورم سالانه از سال ۶۹ به بعد است:



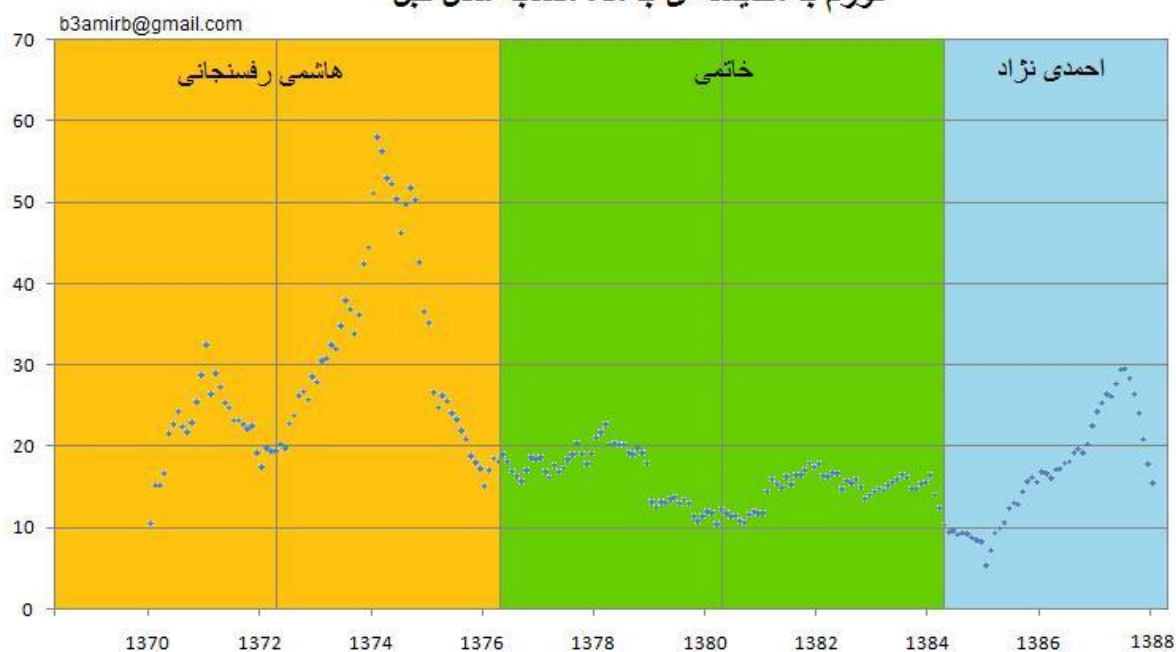
محدوده ای که من دولت ها را در نمودار بالا مشخص کرده ام حدوداً تیر ماه یعنی در حوالی زمان تنفیذ است اما می دانیم تا چند ماه بعد وزرای جدید هنوز روی کار نمی آیند. مثلاً آقای احمدی نژاد وزارت ایش را روز ۲۳ مرداد اعلام کرد^۱ و از ۳۰ مرداد بررسی کابینه آغاز شد^۲ در ضمن پس از روی کار آمدن وزرا هم نمی توان گفت فوراً سیاست های اقتصادی تغییر می یابد بنابراین این وضعیت تورم در شروع یک دولت مربوط به دوره ی قبل است.

تورم را با مدل های مختلفی می توان بررسی کرد. یک روش دیگر نسبت شاخص بهای هر ماه به ماه مشابه سال قبل است که البته خیلی نمی تواند گویا باشد زیرا افت و خیز هایش زیاد است، اما به هر حال مشی کلی تغییرات تورم را می دهد:

¹ <http://mellat.majlis.ir/archive/1384/05/23/Default.htm>

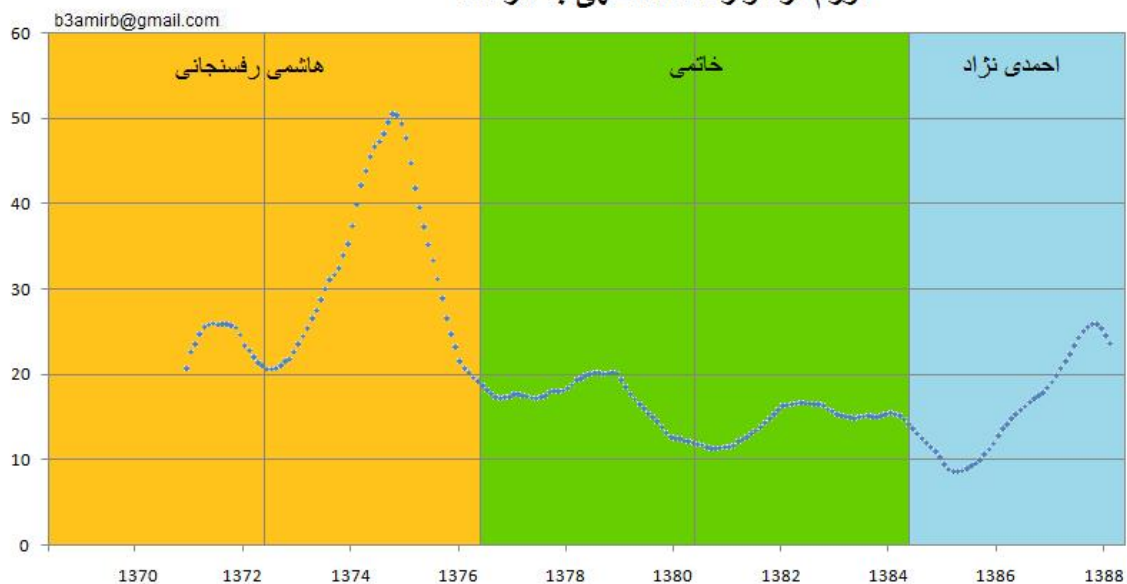
² <http://mellat.majlis.ir/archive/1384/05/30/Default.htm>

تورم با مقایسه ی با ماه مشابه سال قبل



یک روش دیگر محاسبه ی تورم ۱۲ ماه منتهی به یک ماه است. این روش مشابه با روش نرخ تورم سالانه (میانگین گیری در یک سال و تقسیم بر میانگین سال قبل) است با این تفاوت که گویا مبداء سال همواره ماهی است که در آن قرار داریم. شخصا این روش آخر را از همه بهتر می دانم. حداقل می توان گفت نمودار هایش پیوسته تر از آب در می آید:

تورم در دوازده ماه منتهی به هر ماه



اما چند موضوع را می توانیم بررسی کنیم:

۱- همواره منحنی تورم در زمان انتخابات به کمینه ی موضعی رسیده است. که شاید علت آن تصمیم گیری های اقتصادی. محافظه کارانه در این دوران است که باعث می شود وضع ظاهرا کمی بهبود بیابد.

۲- وضع تورم در دوره ی هاشمی بسیار متلاطم و عجیب است. می شود گفت کارنامه ی آقای خاتمی از نظر تورم خیلی خوب بوده و در دوره ی آقای احمدی نژاد تورم رو به افزایش رفته و چند ماه است که دارد کاهش می یابد.

۳- آقای احمدی نژاد در خصوص تورم معمولا میانگین تورم سالانه را در ۴ سال خودش با ۴ سال اول دولت های گذشته بررسی می کند، در حالی که می دانیم تورم نیم سال اول این دوره ی ۴ ساله قطعا به رئیس جمهور قبل مربوط است. چون رئیس جمهور از اول فرودین سر کار نمی آید و به عنوان مثال در سال ۸۴ از شهریور ماه بررسی وزرای پیشنهادی احمدی نژاد آغاز شد اما در آن مدل میانگین گیری رئیس جمهور تورم ۱۰ درصدی ۸۴ تماما به نام او نوشته می شود. حالا فکر کنید که تورم ۸۸، ۱۵ درصد شود. اگر میانگین گیری ۴ سال یک دولت را در دوران خودش (یعنی مثلا برای آقای احمدی نژاد اول مهر ۸۴ تا اول مهر ۸۸) انجام دهیم. دوران آقای احمدی نژاد میانگین ۱۷،۱، دوره ی دوم خاتمی ۱۴،۴، دوره ی اول خاتمی ۱۶،۳ و دوره ی دوم هاشمی ۳۲ است و من اطلاعات سایر دولت ها را ندارم. (یعنی دیگر طبق ادعای رئیس جمهور دوره ی ایشان از تمام ۴ سال اول دیگر دولت ها بهتر نیست)

۴- رئیس جمهور چندین بار در صحبت هایش گفته که ما می گوئیم تورم ۲۵ درصد نیست الان ۱۵ درصد شده است. البته این حرف ایشان صحیح است که تورم رو به کاهش است، اما ایرادی که به حرفش وارد است این است که چرا "۲۵ درصد" را از تورم سالانه می گوید و "۱۵ درصد" را از تورم ماهانه؟ اگر تورم سالانه را می خواهیم بررسی کنیم با توجه به اینکه نمی توانیم تا پایان ۸۸ صبر کنیم بهتر است از تورم دوازده ماه منتهی به این ماه استفاده کنیم که طبق آمار پس از دی ماه ۸۷ که ۲۵،۹ بوده در حال کاهش است و در ماه فروردین امسال ۲۴،۵ و اردیبهشت امسال ۲۳،۶ شده است. (این اعداد همان هایی است که میرحسین موسوی در مناظره با کربوبی از روی ماهنامه ی بانک مرکزی نشان داد که با ماژیک سبز هم مشخص کرده بود) اما اگر آقای احمدی نژاد تورم ماهانه را می گوید باید این را هم بگوید که تورم ماهانه در اواسط ۸۷ به ۳۰ درصد رسیده بوده است.

۵- موضوع تورم و شاخص های دیگر اقتصادی کمی شده ی اتفاقات اقتصادی هستند. می توان با این اعداد بازی کرد و اعداد را جوری بیان کرد که نتیجه ی مورد پسند خودمان را داشته باشد. مثلا این گزاره ها همگی درست هستند در حالی که خواسته های متفاوتی را پشتیبانی می کنند: "اقتصاد احمدی نژاد، تورم ۲۹،۵ درصدی ای در مهر ۸۷ به وجود آورد که در ۱۲ سال اخیر بی سابقه بوده"، "میانگین تورم در ۴ سال احمدی نژاد از میانگین تورم در ۴ سال اول تمام دولت های جمهوری اسلامی کمتر بوده است"، "احمدی نژاد کشور را با تورم ۱۰ درصدی از خاتمی تحویل گرفت و تورم را به بیش از ۲۵ درصد رساند"، "هیچ دولتی توانایی کاهش تورم سالانه را مثل هاشمی نداشت، او توانست در عرض یک سال ۲۵ درصد تورم را کاهش دهد که هیچ دولت دیگری این سابقه را ندارد"، "سیاست های اقتصادی هاشمی تورم را در خرداد ۷۴ به بیش از ۵۵ درصد رساند" هیچ کدام از این گزاره ها علنا غلط نیستند اما به هر حال ممکن است بعضی تحریف کننده ی حقیقت باشند. چیزی که ضروری است این است که آمار را آنطور که دل مان می خواهد نگوییم بلکه به نحوی بگوییم که بیانگر واقعیت باشد.